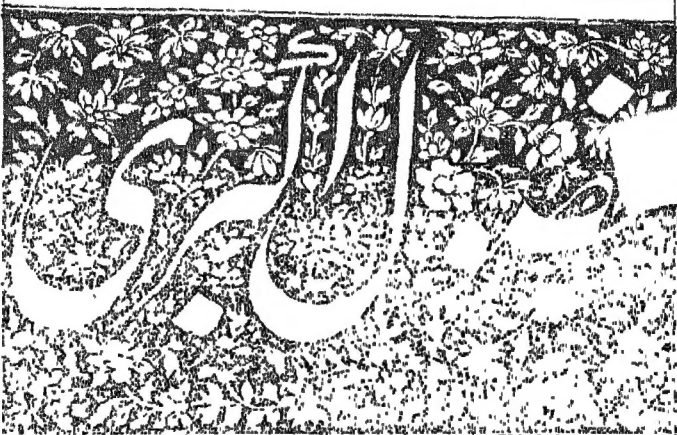


توقیر فی بی بی خانم افعال

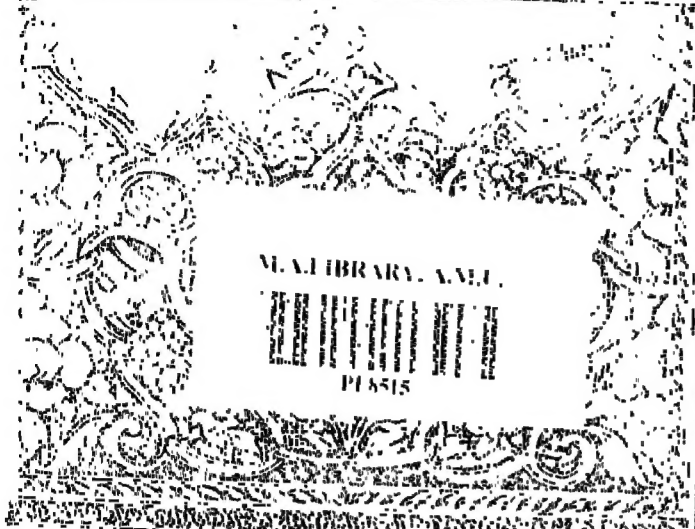
کتاب فی انصاف حاوی قواعد صرف جامع عوائد شکر و حج و غیره فی فضیلتی



بر طبق نسخه مطبوعه مطبع محمد صالح المودعی خلیل بن محمد بن عبد الباقی بن عبد السلام

مطبعة شعاعیه نو و قمری طبع کرد

Handwritten marginal notes in Persian script at the top of the page.



Handwritten marginal notes in Persian script on the right side of the page.

مرآتیه التوحید

الحمد لله رب العالمين والعلمين والصلوة على
 رسوله محمد وآله بجميع برادران علمك
 تعالى كه كلمات عرب قست فعل اسم و حرف
 فعل كذا است معنی برای افهام معنی با یکی از از مشهوره

Handwritten marginal notes in Persian script on the right side of the page.

ماضی و حال و مستقبل چون فتح اشد کشتاد و خدا و فتح می کشاید
یا خواهد کشتاد و آسم کله است موضوع برای معنی متقل
با یکی از از منته مذکوره و حرف کله است موضوع برای
معنی غسیقل نحو ذهبت من البصره الى الکوفة
افعل فسمت ماضی مضارع و امر ماضی فعیض
برای دلالت بر حدوث کاری در زمانه گذشته و مضارع
فعلی مضارع برای دلالت بر حدوث امری در زمان حال یا استقبالی
و امریست ماضی بجهت بودن مخاطب ابامری چون امر

فعلی ماضی و حال و مستقبل چون فتح اشد کشتاد و خدا و فتح می کشاید
یا خواهد کشتاد و آسم کله است موضوع برای معنی متقل
با یکی از از منته مذکوره و حرف کله است موضوع برای
معنی غسیقل نحو ذهبت من البصره الى الکوفة
افعل فسمت ماضی مضارع و امر ماضی فعیض
برای دلالت بر حدوث کاری در زمانه گذشته و مضارع
فعلی مضارع برای دلالت بر حدوث امری در زمان حال یا استقبالی
و امریست ماضی بجهت بودن مخاطب ابامری چون امر

فعلی ماضی و حال و مستقبل چون فتح اشد کشتاد و خدا و فتح می کشاید
یا خواهد کشتاد و آسم کله است موضوع برای معنی متقل
با یکی از از منته مذکوره و حرف کله است موضوع برای
معنی غسیقل نحو ذهبت من البصره الى الکوفة
افعل فسمت ماضی مضارع و امر ماضی فعیض
برای دلالت بر حدوث کاری در زمانه گذشته و مضارع
فعلی مضارع برای دلالت بر حدوث امری در زمان حال یا استقبالی
و امریست ماضی بجهت بودن مخاطب ابامری چون امر

[illegible]

[illegible]

بر من در نیمه قمر و قبل مجرب و خماسی مجرب و راهها سپهر

مجلس ششمین در روز شنبه ۱۳۰۲

عمر فروغ خرمینیل قرطوبوس مبعثری خندرسین شرباب کهنه

صدر و سایر مشقات بزرگونه استثنائی و رباعی هر یک

و نوع ست مجر و مزید یکین مصدر شوق در طلاق مجر و مزید تابع

ملامتی خود را نشان می دهد و لفظی که در دنیا در ماضی / اوست و اصلی

مشفق ام باشد خواهد بود خداوند

و حرف هاء است و از آن است که جمع محو و آن که

صوبہ

[The image shows a page from an ancient manuscript with dense, handwritten Persian or Arabic script. The text is arranged in vertical columns, reading from right to left. The ink is dark, and the paper appears aged and slightly discolored. There are some faint markings and possibly small illustrations or decorative elements interspersed within the text, though they are difficult to discern clearly due to the density of the writing.]

Handwritten marginal notes at the top of the page, including the word "فعل" (F'el) and other grammatical terms.

باب سوم فعل کسبرین با ضی فتح غا بر فتح
بر فتح مقدم کرد زیرا که اگر کم از کم است

باب چهارم فعل یفتح العين فیها فتح یفتح فتحاً فتحاً فتحاً
فعل یفتح العين فیها فتح یفتح فتحاً فتحاً فتحاً

فعل یضم العين فیها کرم یکریم کرم کرم کرم کرم
فعل یضم العين فیها کرم یکریم کرم کرم کرم کرم

فعل و در شهید شهید شهید باب ششم فعل کسبرین فیها کسب
فعل و در شهید شهید شهید باب ششم فعل کسبرین فیها کسب

حساباً اگر حسب حسب اما فضل یفضل از داخل است و گویا و از جمع
فردنی ۱۱ صراح

کدن کسبر کاف آید و ضمه شاذ بود و بد آنکه شسم حرف ز ناقص و مضاعف

درین ابواب استج عین آید و از مثال کسبر عین از غیر آن چنانچه

و انسی در رباعی مجبر در ایک ثاب است و مصدرش فحل

Extensive handwritten marginal notes on the right side of the page, providing detailed grammatical explanations and examples for the main text.

Handwritten marginal notes at the bottom of the page, continuing the grammatical discussion.

سَعَوْطِ اَعْلُوْطِ بِابِ بَحْمِ فَعِيَالِ اَخْشَوْشِ رِخْشَوْشِ اَشْشِثَانَا

اَخْشَوْشِ اَخْشَوْشِ رِخْشَوْشِ رِخْشَوْشِ اَخْشَوْشِ اَشْشِثَانَا

اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ

اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ

اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ

اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ

اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ

اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ

اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ اَفْعِلَالِ

Handwritten marginal notes in Persian script, likely explaining the grammar or meaning of the main text.

Handwritten marginal notes in Persian script, likely explaining the grammar or meaning of the main text.

و در مضاع ابی و وکل و نحو و یار نیز اما محض و قسم است

[illegible]

اسٹیفنی اسٹیفنی اسٹیفنی و نذر الزکریا ^{علیہ السلام} فصل در بیان خاصیات
ای جہد و تب ۱۲

امی جیدو نیپ ۱۲

ابواب انکه به باب اول از مآل انبیا و در کثرت خصائص متساویه الاقدام

لیکن یہ خاصہ نصرت تھی ذکر فیصل بعد المفا علیہ لاجلہ علیہ السلام

الشفاعة بين يدي ربه صلى الله عليه وسلم فاما خديجة كرم الله شانها ابونا

قصایائی که می آیند از ضرب عجل احزان فرج از فعل شیرینند

والواجب عیوب علی می یسازد و چند مصمم بنام ابد المانع است

عین لام و از حروف حلقیه بود اما اگر کنز یکین من البدل و ابی فی شاذو

کرم انکار خفت خلقیه بود حقیقه یا حکما یا صفتی شبیه بآن **باب حب**

[illegible][illegible]

مضاعت رباعی کہ فاو لام اول و عین و لام تائیں محسن

[illegible]

[illegible]

باشند نحو زلزله و غیره بمرکبات اول نصر علی ضرب پس اتو

نصرک ادبی ضرب س و آ و ضرب س یاس س ح و آ و فتح ن ض

راہی فخر و رفا کسرا جہ ہونے نہ شہادت ہر اوجی من

۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱

وای من ای سحر من دس میمن

تو ہوا بدلتا اور اوق صد و اخت ان حواشد بار اوق

اختان ج الف را وفق فتحه و اختان ج بر سه ا ح ر ف و لیکن بنید و تحفیف

بر چند وجه است اسکان قطع حرکت از حرف نقل یا بسقاط و محذوف

حرکت دادن کی از دو ساکن را **خسوف** انداختن

کرم جن ابیوان
 مهله هوز فافض با یی و ان
 شون از ضرب سببا یی و ان
 چون لاری کینه در شون
 وادی هوز العین
 من از شمع عسل خود آید
 هوز صین فاض با یی و ان
 از شمع و از شمع عسل
 الهی بانی کردن
 شمع و الوضاره تینکوشان از کرم
 از شب شدن گشت از شمع و الوضاره
 الهم و یض و لغت با از شمع از شمع
 معروق حای گشت از شمع عسل
 لفیف معروق و عده کردن از شمع
 عسل و شمع عسل و شمع عسل
 تا بیدار از شمع عسل و شمع عسل
 و ان از شمع عسل و شمع عسل

۱۲۸۱
 ۱۲۸۲
 ۱۲۸۳
 ۱۲۸۴
 ۱۲۸۵
 ۱۲۸۶
 ۱۲۸۷
 ۱۲۸۸
 ۱۲۸۹
 ۱۲۹۰
 ۱۲۹۱
 ۱۲۹۲
 ۱۲۹۳
 ۱۲۹۴
 ۱۲۹۵
 ۱۲۹۶
 ۱۲۹۷
 ۱۲۹۸
 ۱۲۹۹
 ۱۳۰۰
 ۱۳۰۱
 ۱۳۰۲
 ۱۳۰۳
 ۱۳۰۴
 ۱۳۰۵
 ۱۳۰۶
 ۱۳۰۷
 ۱۳۰۸
 ۱۳۰۹
 ۱۳۱۰
 ۱۳۱۱
 ۱۳۱۲
 ۱۳۱۳
 ۱۳۱۴
 ۱۳۱۵
 ۱۳۱۶
 ۱۳۱۷
 ۱۳۱۸
 ۱۳۱۹
 ۱۳۲۰
 ۱۳۲۱
 ۱۳۲۲
 ۱۳۲۳
 ۱۳۲۴
 ۱۳۲۵
 ۱۳۲۶
 ۱۳۲۷
 ۱۳۲۸
 ۱۳۲۹
 ۱۳۳۰
 ۱۳۳۱
 ۱۳۳۲
 ۱۳۳۳
 ۱۳۳۴
 ۱۳۳۵
 ۱۳۳۶
 ۱۳۳۷
 ۱۳۳۸
 ۱۳۳۹
 ۱۳۴۰
 ۱۳۴۱
 ۱۳۴۲
 ۱۳۴۳
 ۱۳۴۴
 ۱۳۴۵
 ۱۳۴۶
 ۱۳۴۷
 ۱۳۴۸
 ۱۳۴۹
 ۱۳۵۰
 ۱۳۵۱
 ۱۳۵۲
 ۱۳۵۳
 ۱۳۵۴
 ۱۳۵۵
 ۱۳۵۶
 ۱۳۵۷
 ۱۳۵۸
 ۱۳۵۹
 ۱۳۶۰
 ۱۳۶۱
 ۱۳۶۲
 ۱۳۶۳
 ۱۳۶۴
 ۱۳۶۵
 ۱۳۶۶
 ۱۳۶۷
 ۱۳۶۸
 ۱۳۶۹
 ۱۳۷۰
 ۱۳۷۱
 ۱۳۷۲
 ۱۳۷۳
 ۱۳۷۴
 ۱۳۷۵
 ۱۳۷۶
 ۱۳۷۷
 ۱۳۷۸
 ۱۳۷۹
 ۱۳۸۰
 ۱۳۸۱
 ۱۳۸۲
 ۱۳۸۳
 ۱۳۸۴
 ۱۳۸۵
 ۱۳۸۶
 ۱۳۸۷
 ۱۳۸۸
 ۱۳۸۹
 ۱۳۹۰
 ۱۳۹۱
 ۱۳۹۲
 ۱۳۹۳
 ۱۳۹۴
 ۱۳۹۵
 ۱۳۹۶
 ۱۳۹۷
 ۱۳۹۸
 ۱۳۹۹
 ۱۴۰۰
 ۱۴۰۱
 ۱۴۰۲
 ۱۴۰۳
 ۱۴۰۴
 ۱۴۰۵
 ۱۴۰۶
 ۱۴۰۷
 ۱۴۰۸
 ۱۴۰۹
 ۱۴۱۰
 ۱۴۱۱
 ۱۴۱۲
 ۱۴۱۳
 ۱۴۱۴
 ۱۴۱۵
 ۱۴۱۶
 ۱۴۱۷
 ۱۴۱۸
 ۱۴۱۹
 ۱۴۲۰
 ۱۴۲۱
 ۱۴۲۲
 ۱۴۲۳
 ۱۴۲۴
 ۱۴۲۵
 ۱۴۲۶
 ۱۴۲۷
 ۱۴۲۸
 ۱۴۲۹
 ۱۴۳۰
 ۱۴۳۱
 ۱۴۳۲
 ۱۴۳۳
 ۱۴۳۴
 ۱۴۳۵
 ۱۴۳۶
 ۱۴۳۷
 ۱۴۳۸
 ۱۴۳۹
 ۱۴۴۰
 ۱۴۴۱
 ۱۴۴۲
 ۱۴۴۳
 ۱۴۴۴
 ۱۴۴۵
 ۱۴۴۶
 ۱۴۴۷
 ۱۴۴۸
 ۱۴۴۹
 ۱۴۵۰
 ۱۴۵۱
 ۱۴۵۲
 ۱۴۵۳
 ۱۴۵۴
 ۱۴۵۵
 ۱۴۵۶
 ۱۴۵۷
 ۱۴۵۸
 ۱۴۵۹
 ۱۴۶۰
 ۱۴۶۱
 ۱۴۶۲
 ۱۴۶۳
 ۱۴۶۴
 ۱۴۶۵
 ۱۴۶۶
 ۱۴۶۷
 ۱۴۶۸
 ۱۴۶۹
 ۱۴۷۰
 ۱۴۷۱
 ۱۴۷۲
 ۱۴۷۳
 ۱۴۷۴
 ۱۴۷۵
 ۱۴۷۶
 ۱۴۷۷
 ۱۴۷۸
 ۱۴۷۹
 ۱۴۸۰
 ۱۴۸۱
 ۱۴۸۲
 ۱۴۸۳
 ۱۴۸۴
 ۱۴۸۵
 ۱۴۸۶
 ۱۴۸۷
 ۱۴۸۸
 ۱۴۸۹
 ۱۴۹۰
 ۱۴۹۱
 ۱۴۹۲
 ۱۴۹۳
 ۱۴۹۴
 ۱۴۹۵
 ۱۴۹۶
 ۱۴۹۷
 ۱۴۹۸
 ۱۴۹۹
 ۱۵۰۰
 ۱۵۰۱
 ۱۵۰۲
 ۱۵۰۳
 ۱۵۰۴
 ۱۵۰۵
 ۱۵۰۶
 ۱۵۰۷
 ۱۵۰۸
 ۱۵۰۹
 ۱۵۱۰
 ۱۵۱۱
 ۱۵۱۲
 ۱۵۱۳
 ۱۵۱۴
 ۱۵۱۵
 ۱۵۱۶
 ۱۵۱۷
 ۱۵۱۸
 ۱۵۱۹
 ۱۵۲۰
 ۱۵۲۱
 ۱۵۲۲
 ۱۵۲۳
 ۱۵۲۴
 ۱۵۲۵
 ۱۵۲۶
 ۱۵۲۷
 ۱۵۲۸
 ۱۵۲۹
 ۱۵۳۰
 ۱۵۳۱
 ۱۵۳۲
 ۱۵۳۳
 ۱۵۳۴
 ۱۵۳۵
 ۱۵۳۶
 ۱۵۳۷
 ۱۵۳۸
 ۱۵۳۹
 ۱۵۴۰
 ۱۵۴۱
 ۱۵۴۲
 ۱۵۴۳
 ۱۵۴۴
 ۱۵۴۵
 ۱۵۴۶
 ۱۵۴۷
 ۱۵۴۸
 ۱۵۴۹
 ۱۵۵۰
 ۱۵۵۱
 ۱۵۵۲
 ۱۵۵۳
 ۱۵۵۴
 ۱۵۵۵
 ۱۵۵۶
 ۱۵۵۷
 ۱۵۵۸
 ۱۵۵۹
 ۱۵۶۰
 ۱۵۶۱
 ۱۵۶۲
 ۱۵۶۳
 ۱۵۶۴
 ۱۵۶۵
 ۱۵۶۶
 ۱۵۶۷
 ۱۵۶۸
 ۱۵۶۹
 ۱۵۷۰
 ۱۵۷۱
 ۱۵۷۲
 ۱۵۷۳
 ۱۵۷۴
 ۱۵۷۵
 ۱۵۷۶
 ۱۵۷۷
 ۱۵۷۸
 ۱۵۷۹
 ۱۵۸۰
 ۱۵۸۱
 ۱۵۸۲
 ۱۵۸۳
 ۱۵۸۴
 ۱۵۸۵
 ۱۵۸۶
 ۱۵۸۷
 ۱۵۸۸
 ۱۵۸۹
 ۱۵۹۰
 ۱۵۹۱
 ۱۵۹۲
 ۱۵۹۳
 ۱۵۹۴
 ۱۵۹۵

فردا در این روز...
فردا در این روز...
فردا در این روز...

و گرنه ضمیر چون فلان و چون مرد او و یا اینکه بعد ساکن نشین اند بود
در عین فعل یا شبه فعل ای مصدر و مشتق و مؤنث و زن و مرد
حرکت آنرا با قبل می باشد و اما آن که در تاء و یاء و عین
لون یا عیب و صیغه تعجب و صیغه اسم الیه بود و در صیغه فعل که
وزن متعارف فعل بود پیش از تعلیل یا بعد از آن و الی ش زائد
مشترک تعلیل نکنند پس آن حرکت اگر قه بود و او و یا
گردد چون یقول و یسبح تا یقولن و یسبحن و یقولوا
و یسبحوا و یقولون و یسبحون و یقولوا و یسبحوا

فردا در این روز...
فردا در این روز...
فردا در این روز...

فردا در این روز...
فردا در این روز...
فردا در این روز...

اقامه و اقامه اقامه اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه

و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه

خا خا آه و اقامه اقامه و اقامه
از اقامه ۱۲
از اقامه ۱۲
از اقامه ۱۲

و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه

را کسر گردانند و او مفعول آید و در و صبح بسیار آید نحو مبتدع
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲

و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه

و مکتوب و در و او ی کم و او یک عین مصدرا جمع و بعد کسر و با
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲

و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه

و در فعل و وحده معلل بود یا در واحد ساکن و در جمع قبل
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲

و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه

الف افتد یا شود نه در ناقص چون قییم و قیام و ویم و حیام
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲

و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه

و ریاض و او و یای عین فاعل که در فعلش معلل بود یا مراد از
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲

و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه

نمود همزه گردد چون قائل و بائع چون و و حرف علت
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲

و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه

پس و پیش الف فاعل فتنه پسین همزه شود چون بوائع
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲
مفعول را ۱۲

و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه

و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه

و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه
و فعلن بعد فعل حرکت و اقامه

۴۴

۴۲
علت نایب حرکت در این حرکت

اصول

١٢٠

فعلان او شود کین لایم حکم بر آمدن جازم و در امر بیفتد

میرزا محمد تقی خان
از خاندان سادات
از خاندان سادات

بإتصال ضمير فاعل نون تاکید باز آید چون اُدْعُ اُدْعُوا و اُدْعُوا

[illegible]

اُدْعُوْنَ اَدْعٰىكُمْ وَاَلْمُنٰیۙ وَنِیَّۤایْ اَخِرُ مَفَاعِلِ نَعْمًا وَجَرِّیَّتِ

المنهجية
التي هي
التي هي

و بدش تنوین آید نحو جَوَّارِی و جَوَّارِ اَز دَوِیای آخر مغایل است

مجلس ششمین

که بی بنفید و دیگر حق مسلم ای شفا یی یا به نحو صحیحی

مجلس شورای اسلامی

در طی درسی و درسی است و دعا گویند به تجارت و بی

فیہ الہ و نیز خیر چون

مجلس نئی ہند میں زیرِ مبحث ۱۲

وَقَدْ كُنَّا مِنْ أَفْوَاجٍ
مُتَفَرِّقِينَ
فَإِذَا يَوْمَئِذٍ نَاجٍ
مُتَّحِدِينَ
وَالْجِبَالُ كَالْعِهْدِ
الْمُنْقَلَبِ
وَالْأَرْضُ كَالْأَرْضِ
الْمُتَغَلِّبِ
وَالْأَنْجَارُ كَالْأَنْجَارِ
الْمُتَغَلِّبِ
وَالْأَنْجَارُ كَالْأَنْجَارِ
الْمُتَغَلِّبِ

بہ واران پاران واران سب پر پانی سوس سے

مفتی محمد رفیع الدین صاحب دفت

مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

منه في قوله

۱۰۰

مجلس شورای اسلامی

۱۰۰

والله اعلم بالصواب

الحمد لله رب العالمين

مجلس

۵۵

دونی بودا وینا

وہی ہے جو ہم نے پہلے بھی دیکھا ہے۔

الشيخ محمد بن عبد الله

مجلس

اعرابی وارو
اسکریبند
تعلیم

وزارت اقتصاد و معادن

وزیر افعال شہزادہ بھوپندر

محمد تقی میرزا

کتابخانه

10

فولفونڈال منیجر

مضاعف چون دوحسرت یک مجلس در کلبه بهم آیند و

صحیح یا حروف علت
حقیقۃً چون یا حکما نحو
مستطی و غیر مستطی

اول ساگر بود ادغام واجب است و اگر متحرک است دوم

دفعہ کا حکم پانچویں بار لکھا گیا ہے

و این کتاب را در روز جمعه ۱۲۰۰ هجری قمری در شهر تبریز در کتابخانه

سالن بسکون رفت یا مسحر که نه بغرض میر لازم است چون

از این کتاب که در کتابخانه...

و دو آب گمر در خوا قتل دخی که جائز است دوم اگر حیوان نبوی

Handwritten signatures and notes in Urdu script, including the name "میرزا محمد علی" (Mirza Muhammad Ali) and other illegible text.

سید احمد علی خاں

فصل اول در ادب و آداب

است صحت آن
چنانکه در یادداشتها
در حال آنجایی که

[illegible]

التماس عاجل
از سرکار عالی
مجلس شورای
مجلس شورای
مجلس شورای

کمره دیندار در شالیزار

مجلس شورای اسلامی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
کتابخانه ملی

الکاتر دھون

برای حصول منافعت عمومی

1.4.2

اول گیت اجتناب از نشستن بر زمین است که جهت عود و آن
 باد و عود زیادت قهق که اسکان است که
 اول گیت اجتناب از نشستن بر زمین است که جهت عود و آن
 باد و عود زیادت قهق که اسکان است که

یادیده و اگر نه با نقل بخوید و در دو دست فزاد و یک دست ادغام
 ساکن غیر مدیه اجتناب است و ادغام متحرک جائز اگر با قبل و متحرک
 یادیده و دوم متحرک و الا نه شرط ادغام است که اعلان مشرا
 نشود بخوار عوی لبس نبود ای در رسم با شکر اول و شکر
 حرف اول های سکه و بدل از نموده الف در عهده نباشد و دوم
 برای احاطه نبود با شکر اول متمتع است خود و آن و بد
 متمیز و متباعد که بعد متحرک است یادیده و در دو نموده و
 مشد و الوضع که واجب است خوشال بیان مجاب

اول گیت اجتناب از نشستن بر زمین است که جهت عود و آن
 باد و عود زیادت قهق که اسکان است که
 اول گیت اجتناب از نشستن بر زمین است که جهت عود و آن
 باد و عود زیادت قهق که اسکان است که
 اول گیت اجتناب از نشستن بر زمین است که جهت عود و آن
 باد و عود زیادت قهق که اسکان است که

اول گیت اجتناب از نشستن بر زمین است که جهت عود و آن
 باد و عود زیادت قهق که اسکان است که
 اول گیت اجتناب از نشستن بر زمین است که جهت عود و آن
 باد و عود زیادت قهق که اسکان است که

زبان را بجنب بر دارد و صططض خنق مخضه بر آن حروف انداخت
که هر رباعی و خماسی از آن سر و آرد و مغیر مصححه مقابل آن حرف
است و در بعضی لغت ها در بعضی
الفاظ که در و داشت صططه بود و در بعضی حروف الصغیر باشد
ص س احرف مکرر است لام مخرف پس بدانکه او غامق قارین و مخج
یا صفت قلب اول ثانی است مگر عارض و س حرفی حرفی
یک که مانع او غامق است و خود و نیز و سرف حلقی
حرف حلقی که از آن داخل است مدغم نشود مگر حاد و عین
بقلب هر دو بجا خود و بجا خود و از آن بجا و و مگر حاد و عین

صططض خنق مخضه بر آن حروف انداخت
که هر رباعی و خماسی از آن سر و آرد و مغیر مصححه مقابل آن حرف
است و در بعضی لغت ها در بعضی
الفاظ که در و داشت صططه بود و در بعضی حروف الصغیر باشد
ص س احرف مکرر است لام مخرف پس بدانکه او غامق قارین و مخج
یا صفت قلب اول ثانی است مگر عارض و س حرفی حرفی
یک که مانع او غامق است و خود و نیز و سرف حلقی
حرف حلقی که از آن داخل است مدغم نشود مگر حاد و عین
بقلب هر دو بجا خود و بجا خود و از آن بجا و و مگر حاد و عین

صططض خنق مخضه بر آن حروف انداخت
که هر رباعی و خماسی از آن سر و آرد و مغیر مصححه مقابل آن حرف
است و در بعضی لغت ها در بعضی
الفاظ که در و داشت صططه بود و در بعضی حروف الصغیر باشد
ص س احرف مکرر است لام مخرف پس بدانکه او غامق قارین و مخج
یا صفت قلب اول ثانی است مگر عارض و س حرفی حرفی
یک که مانع او غامق است و خود و نیز و سرف حلقی
حرف حلقی که از آن داخل است مدغم نشود مگر حاد و عین
بقلب هر دو بجا خود و بجا خود و از آن بجا و و مگر حاد و عین

فوق العاده کرده باشد...
فوق العاده کرده باشد...
فوق العاده کرده باشد...

و لازم ساکن در لازم و در بواقی جائز و نون ساکن در حروف لم یزید
واجب و متحرک جائز فصل چیست جمع دو یا سه ساکن در حروف
خود و اب دو و ساکن در نحویم عین قاف مطلقا و در کلمه کریم
اولش ه یا یی تصنیف است و در غم هم چون خاشع و خفیه و
الحسن و الضربان و در لا با الله و ارحم الشرف و الف و یا
فتح آن نیز رواست و خلقت الشیطان شاذ و در صور
مذکور ساکن اول اگر مدیه است یا نون خفیه بی شکست
و اگر نه حرکت و ه یا ی اول را در نحو لم یزید و هم را در

فوق العاده کرده باشد...
فوق العاده کرده باشد...
فوق العاده کرده باشد...

فوق العاده کرده باشد...
فوق العاده کرده باشد...
فوق العاده کرده باشد...

در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه
 در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه
 در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه

تا که حکیم که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه
 در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه
 در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه

فصل در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه
 در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه
 در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه

در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه
 در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه
 در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه

در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه
 در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه
 در آن وقت که از آن ساکن اول افتاده است باز از نخ و قولا و قولا کین نه

باز آید و بعد فته الف گردد و چنانچه نون از فن تانیث آید
نه در نحویت و مستطاب باشد و جبار الزحمت را در استیل حرکت
از همزه بساکن صحیح و از غیر همزه بساکن فته نه در نحویت
و من قفل و قلب همزه باخت حرکتش بقفل آن ماقبلش اگر
ساکن است و بلا قفل اگر مفتوح و باخت حرکت ماقبل اگر مضبوط
یا مکیسور شود یا آخری که منجر حرکت و بعد حرکت صحیح است
نه همزه در آن و آن دو لغت انما الف بنراخند و قل منه و ان
لازم است مای که در حق و مثل م و ج ساکن است

الف در نحویت و مستطاب باشد و جبار الزحمت را در استیل حرکت
از همزه بساکن صحیح و از غیر همزه بساکن فته نه در نحویت
و من قفل و قلب همزه باخت حرکتش بقفل آن ماقبلش اگر
ساکن است و بلا قفل اگر مفتوح و باخت حرکت ماقبل اگر مضبوط
یا مکیسور شود یا آخری که منجر حرکت و بعد حرکت صحیح است
نه همزه در آن و آن دو لغت انما الف بنراخند و قل منه و ان
لازم است مای که در حق و مثل م و ج ساکن است

در نحویت و مستطاب باشد و جبار الزحمت را در استیل حرکت
از همزه بساکن صحیح و از غیر همزه بساکن فته نه در نحویت
و من قفل و قلب همزه باخت حرکتش بقفل آن ماقبلش اگر
ساکن است و بلا قفل اگر مفتوح و باخت حرکت ماقبل اگر مضبوط
یا مکیسور شود یا آخری که منجر حرکت و بعد حرکت صحیح است
نه همزه در آن و آن دو لغت انما الف بنراخند و قل منه و ان
لازم است مای که در حق و مثل م و ج ساکن است

گردد و بهره محدود اگر اصلی است ثابت نماند و اگر نه واد شود و حجباً

اگر از الف تا نیت است و الا جزا و جمع که دلالت کند بر زیاد

بالف و تا موضوع است مرقت را و کن در قسم قلیل

ولالت كند بر سر تا ده ورزش چهارست فعل

بودنه اجوبه و در اسمع جار حرفی که مونث بود عقب در تا و مونث

سید محمد علی حسینی

و در خیال و زمین و صبح و فسرط و ضلع

جمعیہ زین ۱۱

وَصَحَّ وَرَمَتْهُ وَاللَّهُ وَبَسْمُكَ أَنْ يَزِيدَ دَوْلَ الْأَوَّلِينَ عَيْنِ

واریک در راه و جوان افراطی و ادبی است

المشرف على العمل



خواه یا نه اسم بود چون این فخر را
دین و بیات با صفت خون در
اعوان ضعیف امیاف پرچین
جایگزید از آن قاسمی قدیم صفت
کرده مراد سلطان است که انقلاب
عزیز خود را می فرست

أفعال

و عهد و جمع غیب و از بل اسما و شرف و میت صفت و در قمر و

طوبی و کابل و جبال و جزآن نیز آید

که مذکرت و سوسن و نازد حبیب و محب که قرین و حیران نماید
بر فضل الکافری نماند

فصل در وکد شیخ خلیل و غزالی و علام و کثیر که لایق
ای جمع اند از آنکه در

یازده و بیش و زشت گسایدت فصل جمع انحر حرارصفت

و فرستاد و فاعل و مجرّم و خواهر و خواهر و فاعل و

عصا

مجلس شورای عالی

الف وسم او بسم

این کتاب در دسترس عموم است و هر کس که بخواهد آن را مطالعه کند می تواند به کتابخانه مراجعه کند

[illegible]

فردا بولش ادا با کسر و ادا

درآمد و از دست دادن
صاحب صنعت مستغفرون
از بس سبیل کا

مجلس شورای اسلامی

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

والتاريخ المذكور في هذا الكتاب

مجلس شورای اسلامی

لفظ واحد نماید چون رسا و جمع را جمع کنند چون کالبد
جمله و بیوتات پس جمع بواو و نون رای لفظی محروم از تا
که حکمست مریز که عالم خود زیدون یا صفت گشت عقل
فعلما و نه فعلان فعلی و نه صفت شترک و بنقیده در و الف مقصوره
و همزه تانیث و او شود و اما رستون در سینه و قلون در قلته
شیون در شبیه و آلمون در امل یا نند آن بخلاف قیاست
و جمع یا لف و تا برای علم مونث و لفظی که در و تانیث است
یا صفت فعلما را فعل و نه فعلی فعلان و لفظی مذکر که صفت عقل

بلفظ واحد و نون جمع را جمع کنند چون کالبد
جمله و بیوتات پس جمع بواو و نون رای لفظی محروم از تا
که حکمست مریز که عالم خود زیدون یا صفت گشت عقل
فعلما و نه فعلان فعلی و نه صفت شترک و بنقیده در و الف مقصوره
و همزه تانیث و او شود و اما رستون در سینه و قلون در قلته
شیون در شبیه و آلمون در امل یا نند آن بخلاف قیاست
و جمع یا لف و تا برای علم مونث و لفظی که در و تانیث است
یا صفت فعلما را فعل و نه فعلی فعلان و لفظی مذکر که صفت عقل

آن صفت اسم صفت
از قیاس بر
فی ثواب این
فان بیان عاقل

[illegible]

و در جمع کثیر تصغیر نشود و بجایش مفرد آنرا که تسهل است یا
 متروک تصغیر کنند پس جمع صحیح چون غلیمون و دویکات و
 عبید یزیدون در غلمان و دور و عباد و دریا جمع قلت مفردش را
 نحو غلیمت و در مع و غیر حسب و اسم عامل جازیه بخانه که فعل و حزن
 مبنیات که در بعضی اسامی اشارت موصولات می آید زیاده و قیل
 آخر و الف در آخر چون ذیاب و ذیابان و تیان و اولیا
 و اولیا و الذیاب و التیان و اللثیان و اللثیان
 و التثیات در الذین و اللاتی و التیان و التثیات

در جمع کثیر تصغیر نشود و بجایش مفرد آنرا که تسهل است یا
 متروک تصغیر کنند پس جمع صحیح چون غلیمون و دویکات و
 عبید یزیدون در غلمان و دور و عباد و دریا جمع قلت مفردش را
 نحو غلیمت و در مع و غیر حسب و اسم عامل جازیه بخانه که فعل و حزن
 مبنیات که در بعضی اسامی اشارت موصولات می آید زیاده و قیل
 آخر و الف در آخر چون ذیاب و ذیابان و تیان و اولیا
 و اولیا و الذیاب و التیان و اللثیان و اللثیان
 و التثیات در الذین و اللاتی و التیان و التثیات

۴۲

فصل بیست و نهم در بیان احوال و حال
از سید محمد باقر خراسانی

در این فصل از احوال و حال
و اخبار و حوادث و غیره
که در این زمان اتفاق افتاده است
مذکور خواهد شد.

واعتقیده و آیه شاذ و نسبت اسی الحاق می شود

المفتی صاحب مدظلہ العالی

وفاقیں

بآخر کلمہ تا دلالت کند بر او بستمی چیزی بمیدلول آن نحو عمری

چون اعراب عربین
فید خورسی

و یای شد برای مبالغه و آخر می و برای مصدریت زیاد

ان نیز آید و فعل و حرف لاحق نشود مگر آنکه علم شوند پس بنفید

[illegible]

رومایانیت چون ریل کوئی وامرأة کو بیست و دو و زیاد

محمد شمس الدین علی گڑھی

تاریخ و سیرت ائمه کرام علیهم السلام

تشریح ویامی مشد بعد اکثر از دو حرف مثل کرسی و شافعی

توضیح: این سند به موجب آنکه در تاریخ ۱۳۰۴/۱۰/۲۵ در محضر هیئت مدیره شرکت مذکور به تصویب رسید و در تاریخ ۱۳۰۴/۱۱/۱۵ در دفتر ثبت شرکتها به ثبت رسید.

خانی و مرجی در کرسی و شامعی و نجاتی و مرجی و روست

۱۳
فست از انکه در
جمع پنج سست و شصت
۱۴

و رواست در و مرقوم و اوراق بعد منه در نحو ضربی و یامی مسود

ای بیخیت ۱۲

از یابی شد و قبل از خجست خوشبخت و بهی

عزت میں بھی
سکون سکون
موت کی گھنٹہ

ایم که در تعمیر مومست زیر آله در فیهی می گویند و یا می

فقیل فقیل و فقیل که ناقصند و در مرد او شود و عین

مستند ۱۳۴
برای قتل یابی

شکل عنونی و مصومی چنانچه در تحفہ نحوی و ادویا فعولہ و بویا

یہ مضامین نہ اچوت مشرقی اور نہ اوس دور و عدوہ عدو

عبدالله بن عبدالمطلب
ابن عبدالمطلب
ابن عبدالمطلب
ابن عبدالمطلب

وید و یامی فیکه غیر مضاعف مثل چینی و انموئی گسرا

باز در این کتاب که در دسترس است و در میان مردم
پراکنده شده است و در هر یک از این کتب

یہ ہے کہ کسی نہ مردوں سر پر و سر پر و سر پر

شاید این دو اسم را در بعضی کتب با هم اشتباه کرده باشند.

24.10

[illegible][illegible]

۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲
 ۴۸۳
 ۴۸۴
 ۴۸۵
 ۴۸۶
 ۴۸۷
 ۴۸۸
 ۴۸۹
 ۴۹۰
 ۴۹۱

[illegible][illegible][illegible]

کتاب در حروف و اعداد و تفسیر
کتاب در حروف و اعداد و تفسیر
کتاب در حروف و اعداد و تفسیر
کتاب در حروف و اعداد و تفسیر

حروف و اعدادی حروفیکه زیادتی برای غیر الحاق و تصنیف بر آن
نیاید بر هویت السان است دلیل زیادتی حرف اشتقاق است
نیز بود انمی شرح بودن لفظی مر لفظی را و علامتش موفقت و است
عوت نقد تراصابت حرف زیادت غلبه یا تش و محاش و ترجم
و دیگر اشتقاق قوی ترین دلائل است و گنند این معنی بر وزن این
از بلوغ و ثمر ثبوت تفعیلات از ترجم و سببه فاعله از سبب
باعتدال نظیر هر دو و میم مرا جمل حسلی است از

برای اسکان و تضعیف
چون گاهی حرف زیادتی بر حرف
جربان
مازنی را از حروف زیادتی است
تضعیفی و حروف زیادتی را می بینیم و نوشته
که من حروف و اعداد دوم را از حروف و اعداد
تضعیف و اعداد است حروف و اعداد
و از آن که خواننده از من اول و دوم
باشد که حروف و اعداد می بیند اگر اصل حرف
باشد نوشته در حق حکم کند که در اصل ندارد
و برای اینکه متعادل گردد باید است و معین گردد
نظیر که در وزن است حرف و دفع زیادتی است
پس اگر در نظای از حکم زیادتی حرفی بود
حکم اصلی بودن آن حرف کند تا اگر حکم اصلی
آید از آن حرف زیادتی است

بافتشای آن حکم را در
بسیار و جمل معنی جمله
اصلی است در آنش فاعله
بافتشای آن حکم را در
بسیار و جمل معنی جمله
اصلی است در آنش فاعله

مگر آنکه زیادتش در آن محل نیاید که میم مژز نخوشش و اگر برینج
تقدیر حسن نبود دلیل زیادت غلبه است غلبه زیادت
حق تعالی باینست اصل چون کم و قرو و غلبه است مژز
و مکرر فائده و انبوه و زکری و قوئیت رباعی است که زیادت مکرر مژز
میم در اول باب است اصل فقط و مژز است میم در اتم فاعل
مفعول و ظرف مصدر و اگر چه باز یاد و از سه بود و یا با سه حرف
و یا زیاده مگر در اول رباعی غیر مضارع و الف و او با سه حرف
یا زیاده مگر اول و نون اگر تالاف است ساکن یا آخر که بعد الف

در این باب که میم مژز نخوشش و اگر برینج
تقدیر حسن نبود دلیل زیادت غلبه است غلبه زیادت
حق تعالی باینست اصل چون کم و قرو و غلبه است مژز
و مکرر فائده و انبوه و زکری و قوئیت رباعی است که زیادت مکرر مژز
میم در اول باب است اصل فقط و مژز است میم در اتم فاعل
مفعول و ظرف مصدر و اگر چه باز یاد و از سه بود و یا با سه حرف
و یا زیاده مگر در اول رباعی غیر مضارع و الف و او با سه حرف
یا زیاده مگر اول و نون اگر تالاف است ساکن یا آخر که بعد الف

و اگر تالاف است ساکن یا آخر که بعد الف
و اگر تالاف است ساکن یا آخر که بعد الف
و اگر تالاف است ساکن یا آخر که بعد الف

[illegible]

باعث خروج نشود و در کلمه کاف غام بود یا بشبه شفق برقی
تج و دهند یکی را بکاف غام بعضی بشبه پس یا ج فاعلان و در یا
سیم برای احاط یا فیصل لوجود کاف و اگر شبهه در روشن است حج نیک
ادغام است چنانکه دو کو وجود و اگر نیک در حج شبهه بود و در و
بوزن اغلب پس موقت مفضل باشد لوجود و مطلب نه مطلب و
رئان فاعلان بود لوجود و راء و نزد بعضی فاعال که این وزن باشد
اغلب است اگر شبیه بود و تقدیر است حج دهند بوزن اغلب
و بعضی باقی پس همان فاعال از ضمن است بل فاعلان از حوم

و علمت خطاً همزه را ننویسد لکن و او و یا و الف بخلاف
نویسند ۱۲ اصل خطاً ۱۳ همزه افتاد ۱۴ الف تین است در خط
نخور وائی و حیائی که بدو صورت همزه نیست و در
و یقرا آن همزه را ننویسد الباس بمفرود جمع موت نشود
رابع یا زیاده در اسم یا فعل باشد یا بودن بعد یا نحو صید یا بعد یا
در آخر کلمه ۱۵
و در اندیکه وائی علماء و الف ثالث اگر از یاست بیاورید اگر نه باقی
کلمه هر دو نگارند و از حرف جزئی وائی و علی و حی بیاورید
دو حرف نگارند و اگر از یک کلمه اند یا دوم تا می خست
جنس اول بعد از غام می نویسند چون قروب

حاشی بر حاشی

قوله اولی و ثانی مثال خبر که از زوای در اصل از زوای بود و با بقاعده قاضی فادومنه ساکن جهت کسر و بیل
بیا بدل شد و این حاصل آمد پس نزد بعضی قلب و ادغام میکنند اگر چه باید و او جمع آمده و اول ساکنست زیرا که
و ادغام بدل از همزه است چنانکه در ایوار مصدر و بعضی گویند هرگاه ابدال همزه بیا واجب شد قلب او که بعد
آنست بیا و ادغام یا در این نیز شود و هیاں آنکه در آخرش سه را جمع شود حذف اخیرست نزد بعضی و منسب
حذف شود و برین گفتند بر این هر سه حرکات آید و نزد بعضی منوی در رفع و بر پس ای یکسر تنوین در رفع
و بر گویند **قوله** اول و ثانی بای اعظم بروزن قشعر یعنی تاریک شد از زوای و او ای **قوله**
قوله اینها ای از زوای برین صورت یکسر همزه و سکون یا فو شخ همزه و تشدید بای مفتوح و الف صلیش
و او ای سه یا بود بروزن اعظم اصل اعظم و او جهت کسره قبل اگر دیدی اینی است بای ساکن متحرک
ادغام یافت و بای غیره برای فتحه قبل الف شد اینها حاصل آمد **قوله** از ک و رنی **قوله** از یو یا
مثل حکم از زوای یکسر همزه و سکون یا فو شخ بای شد قبل الف اصله از زوای سه یا ای ای
ثانی دغم شد ثالث برای فتحه قبل الف گردید و همزه از کسره قبل یا گشت از یو یا حاصل آمد و یا
در او دغم نشود با لاتفاق زیرا که همزه اول برای وصلست پس هرگاه بوصل یا مفتوح واقع شود همزه
دوم باز آید زیرا که صلت ایدش بیا باقی نخواهد ماند مثل قال از یو یا **قوله** از ک و رنی **قوله** از یو یا

یکسر همزه و سکون یا فو شخ یا تشدید بای مفتوح اصلش یا بیو یع و غیر

افخه دون در و او دای دوم قاعده سه که در و او یع

قوله اول و ثانی مثال اخرون از قوه اصل آن یا قو و قو

پیار و او چهارم از ان در طرف خوا و یا

جهت قبل الف گشت و او دوم

در و او که ای بیل از خوا

اتو دی شد

از خبر

CALL No. { ۴۹۱۵۵۵ ACC. No. ۸۵۱۵

AUTHOR عبدالرشید محمد

TITLE

فصول اکبر

Class No. ۴۹۱۵۵۵ Acc. No. ۸۵۱۵ Book No. ۳۹۴

Author عبدالرشید محمد

Title فصول اکبر

Borrower's No.	Issue Date	Borrower's No.	Issue Date



MAULANA AZAD LIBRARY ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.

